



۲۰۱۳/۰۴/۰۸

قیس کبیر

باز هم مکثی بر (زبان) و (زبون) و (گلدان) و (گلدون)

دوست فرهیخته و دانشمند جناب دوست محمد از افغانستان، نخست از نوشته جامع، پرمحتوا و تصویر زیبای شما بر شبانی خود و جناب نوری در باره نگرهبانی زبان های ملی و اصیل کشور ما به گفته خود جناب شما، یک افغانستان تشکر و سپاس می نمایم.

طوریکه فرموده اید «حال شما و نوری صاحب با حکایت و محتوای آن شعر نمی خواند»، واقعیت محض است، ولی من این مثال را به فحوای حالت اسفناک جامعه افغانی چه سیاسی و چه اجتماعی و فرهنگی، مثال آورده بودم، زیرا ما افغان ها قبل از اینکه در باره چیزی و یا پروژه ای به توافق برسیم و هدف خویش را بدست آوریم، آنقدر بر آن می پیچیم و وقت را ضایع می سازیم که دیگران از ما سبقت جسته و هدف و مقصد ما را می ربایند. مثال عمده آن، از دست دادن پروژه پایپ لاین گاز و ادغام زبان های ملی ما در سیستم های تکنیکی می باشد. جای تأسف تنها در این است که بعد از آن امکان دوباره بدست آوردن آن ضرب صفر می شود.

چیزیکه قابل افسردگی است همین فرموده شما می باشد که خطر کمین کرده است ولی اکثریت مطلق افغان ها از آن آگاه نبوده و مترصد آن هم نیستند ورنه من هیچگاه مخالف بحث های سازنده نبوده ام و نیستم، که از نتایج آن میتوان برای تصحیح اغلاط املائی و انشایی در سیستم های کمپیوتری استفاده نمود.

بیانید اول جایگاه زبان های ملی خود (دری و پشتو) را در سیستم ها عیار سازیم و سپس به خاطر آرام این نوع بحث ها را دنبال نمائیم. ادغام زبان های ازبکی و ترکمنی در سیستم کمپیوتر ساینس از طرف کشور های ازبکستان و ترکمنستان که مالکین اصلی این زبان ها هستند، با تولید کنندگان (نه زایش کنندگان آپریتینگ سیستم ها) می باشند.

من شخصاً آخرین کسی خواهم بود که در این جر و بحث ها سهم بگیرم، چون خویشتن را در آن صاحب صلاحیت نمی بینم.

دوست نهایت محترم و عزیز جناب دوست محمد! شما در صفحه دوم نوشته جامع خویش چنین می فرمائید:

« در مورد زبان های خویش به خصوص در مورد فارسی باید از تجربه بیش از ۲۰ کشور عربی که به زبان عربی حرف می زنند و بحرری و متنبی و ابونواس را شاعر مشترک خود می دانند و کتاب «البيان و التبيين» حاحظ را میراث خود، از تجربه آنها استفاده کنیم که با وجود حفظ هویت دولت سعودی، مصری و، مراکشی و سودانی، مساله زبان و اقتخارات مشترک خود را چگونه حل کردند. امریکا، استرالیا، زیلانند جدید و انگلستان مساله زبان انگلیسی را که مربوط همه آنها است چگونه حل کردند. یعنی کاری صورت گیرد که شهنامه ای را که فردوسی به سلطان ما؛ به الناصر لدین الله محمود شهنشاه غزنوی تقدیم کرد، از طرف کسی ادعا نگردهد که این کتاب به زبان ایرانی ها، سروده شده است. چاره چیست آثار مردی که قطران تبریزی را فارسی یاد داد، در مورد کتاب «گشایش و رهایش» او گفته نشود به زبان مردم تاجیکستان نوشته شده است.»

شما درست فرموده اید. ولی متأسفانه کشور ما افغانستان اکنون بعد از سپری شدن سی سال جنگ و ویرانی و به قدرت رسیدن تنظیم های جهادی ایکه در خدمت ایران و پاکستان بوده اند و عدم درایت رهبران جهادی که سرنوشت مملکت را در دست داشتند و هنوز هم دارند، دیگر آن کشور با صلابت و عظمتی که بود، نمی باشد و متأسفانه بر عکس ممالک عربی زبان و انگلیسی زبان که همدیگر را با احترام می نگرند و به آثار مشترک خویش ارزش و تکریم قایلند. همسایه ها، خصوصاً ایران در قسمت فرهنگی ما را به دیده احترام نمی نگرند و بدتر آن که کشور عزیز ما را من حیث خانه خویش محسوب کرده و همه دار و ندار فرهنگی ما را از آن خود می دانند. به نظر بنده ما افغان ها باید با مبارزه دراز مدت با یک ملی گرایی که شکل دفاعی و غیر قومی را داشته باشد، از فرهنگ و زبان خود حراست نمائیم.

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

شما در جایی دیگر نوشته تان چنین می نگارید:

« من کتاب افغانستان در مسیر تاریخ و بیش از ۳۰ جلد آثار داکتر شریعتی را مطالعه کرده ام، هیچ وقت برای من سوال ایجاد نشده است که زبان این کتاب ها از هم فرق دارند. از همینرو مقالات علامه حبیبی که در مجلات «ارمغان» و «سخن» در تهران به چاپ می رسید، خواننده ایرانی فکر نمی کرد که این مقالات به زبان دیگری نگاشته شده است. ما هر دو «یقین» مینویسیم اما او «یغین» میخواند و شاید که من یقین تلفظ می کنم، بگوید که اشتباه تلفظ کرده ام.»

شناسایی صدا و مطلب از دست آورد های دیگری در جهان «آی تی» (تکنولوژی اطلاعاتی) است که زمینه شناسایی پی در پی کلمات و جملات تقریری را میسر ساخته و امکان نوشتن اتوماتیک آنرا به زبان مطلوب فراهم میکند.

برای درک این مطلب خواهشمندم ویدیوی ۸ دقیقه را از نظر بگذرانید. با آنکه ویدیوی متذکره به لسان آلمانی ثبت گردیده است، با وجود آنهم به بیننده آشکار می گردد که آینده تکنولوژی چگونه خواهد بود!

<http://www.youtube.com/watch?v=Nkq2Ae1^TDQ>

در ویدیوی نخست تذکر مختصر از آپریتینگ سیستم "ویستا" و "ویندوز ۷" رفته و برتری دومی را که سافت ویر جدیدتر است، نسبت به اولی بیان می دارد.

در قدم دوم نظر به درج پروگرام شناسایی لسان، مطلب توسط میکروفون دیکتی می شود و در قدم اخیر اشتباهات متن با پروگرام دست داشته "شناسایی لسان" اصلاح می گردند.

اگر لسان دری افغانستان در سیستم کمپیوتری وجود نداشته باشد و ما افغان ها مجبور شویم با لسان فارسی ایران کار کنیم ناگزیر خواهیم بود که نه تنها از لغات معمول و مأنوس دری افغانستان صرف نظر نمائیم بلکه مجبور خواهیم شد که میمون وار به جای (زبان) (زیبون) و به جای (گلدان) (گلدون) و به جای (قربان) (قربون) و بد تر از همه باید بجای (دوکان) (دوکون) بگوئیم تا صدای مارا کمپیوتر بشناسد و بتواند آنرا تحریر نماید. هکذا باعث بروز اشتباهات نوشتاری و دخول کلمات بیگانه و نامأنوس در زبان دری میگردد.

این باعث خواهد شد که نسل های آینده افغانستان طوطی وار باید کلمات و لهجه های نا مأنوس ایرانی را بیاموزند و استفاده کنند مثلاً منبع (امریکا) را (آمریکا) و بجای (رئیس) که یک کلمه ناب عربی است (رییس) و بجای (کرزی) (کرزای) بجای (معنی) (معنا) و بجای (یحیی) (یحیا) خواهند نوشت. و بد تر از آن به جای (یقین) (یغین) بگوئیم که متأسفانه در زبان خود ما که پشتو و دری بهم آمیخته اند معنی دیگری دارد، خاصاً که فارسی زبانان ایران (یک) را (یه) گویند. با کمال معذرت.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ